



علی اکبر تجویدی آغازگر پژوهش‌های کیفی در نقاشی ایرانی

علی اصغر میرزایی مهر

پژوهشگر تاریخ هنر ایران

هر چند پیشینه‌ی نقاشی در ایران بسیار دور و دراز است، اما نوشتن درباره‌ی آن چندان کهنسال نیست. باید پذیرفت که غربیان در این راه پیشگام بوده‌اند؛ هر چند در عمق و زاویه دیدشان می‌توان اما و اگرها داشت، ولی فضل تقدمشان رانمی‌توان نادیده انگاشت. آنان نیم سده‌ای زودتر از ما نوشتن درباره‌ی نقاشی ایران را آغاز کرده بودند.

به لحاظ تاریخی، قدیمی‌ترین نوشته‌ها درباره‌ی نقاشی و نقاشان و دیگر هنرها به عهد صفوی مربوط است و گل سرسبد آنها گلستان هنر قاضی احمد منشی قمی، جالب آن که تلاش خجسته قاضی احمد به لحاظ زمان فاصله‌ی چشمگیری با مناقب هنروران عالی افندی که در دولت عثمانی نگاشته شد و «زندگی هنرمندان» جورجو وازاری که در ایتالیا پدید آمد نداشت. اما اروپاییان بیش از ما در این راستا کوشیدند، در حالی که شرایط اجتماعی و نابسامانی

فرهنگی پس از عهد صفوی ما را از پرداختن به این زمینه‌ها غافل کرد. در میان نوشته‌های گوناگون اهل قلم عهد قاجار اخبار و گزارش‌های اندکی درباره‌ی هنرمندان به ویژه نقاشان می‌توان یافت. تا آن که در سال‌های پایانی عمر قاجاریه و انتقال دولت به پهلوی، کریم طاهرزاده بهزاد که هنرمندی جهان‌دیده بود کتابی به نام سرآمدان هنر را به سال ۱۳۴۲ق (۱۳۰۲ش) در برلین تألیف کرد، البته به زبان فارسی.

محتوای این کتاب مطالبی گسسته درباره‌ی همه‌ی هنرها و برخی هنرمندان است. از رافائل تا مانی و تا معرفی برادر هنرمند مؤلف کتاب. با اسلوبی بی‌سروسامان بدون هیچ تعهدی به ارجاع یا ذکر منبع. در واقع نوعی دل‌نوشته است، خالی از بار تحقیقی و انباشته از بار احساسی.

در عهد رضاشاه کتابی که به هنر یا نقاشی و نقاشان مربوط باشد توسط هیچ ایرانی نگاشته نشده، تا آنکه اندکی پس از شهریور ۱۳۲۰ یکی از شاگردان وفادار کمال‌الملک یعنی حسنعلی خان وزیری در سال ۱۳۲۵ش نوشتاری در ستایش

استادش منتشر کرد. این کتاب کم حجم نیز مجموعه‌ای است عاطفی مملو از تکریم و تنظیم نسبت به حضرت استاد، بدون کم‌ترین تحلیل یا آگاهی سودمند درباره‌ی اسلوب نقاشی و سبک و سیاق و یا جایگاه اجتماعی و تاریخی کمال‌الملک.

دو دهه بعد یعنی به سال ۱۳۴۸ش استاد علینقی وزیری نتیجه‌ی تجارب تدریس و مطالعات خود را در دو جلد نشر داد، با نام تاریخ هنرهای مصور که مجموعه‌ای از اطلاعات تاریخ هنری درباره‌ی همه‌ی هنرها بود و تلفیقی از ترجمه و تألیف. نقاشی ایران جایگاه چندان مهمی در آن نداشت.

در دهه‌ی پنجم سده‌ی اخیر و هنگامی که تجویدی پژوهش‌های خود را آغاز کرد، همه‌ی پشتوانه و پیشینه‌ی ما در زمینه‌ی بررسی هنر نقاشی همین بود و بس، که با هیچ فاصله‌ی چندانی نداشت.

تا آن که دکتر اکبر تجویدی به سال ۱۳۵۲ش نتیجه‌ی تأملات چندین ساله‌ی خود را در تحلیل و تاریخ نقاشی ایرانی با عنوان «نقاشی ایرانی از کهن‌ترین روزگار تا دوران صفوی» منتشر کرد.

بی‌راه نخواهد بود که کتاب مزبور را اولین تلاش یک ایرانی اندیشمند و نگارگر به شمار آوریم که در نوشتار خود به اصول علمی متداول آن زمان وفادار است. رشته‌ی کلام را گم نمی‌کند. ساحت بحث را به خوبی می‌شناسد. به واژگان تخصصی و کاربرد سنجیده‌ی آن حساسیت دارد و راهی که آغاز کرده با دقت و گام‌به‌گام سپری می‌کند و به ورطه‌ی احساساتی‌گری نمی‌افتد. کتاب ارجمند این استاد، اولین



علی اکبر تجویدی، نفر وسط

کتاب تخصصی درباره‌ی نقاشی ایرانی است که سیر تاریخی دارد و از نقاشی غارهای لرستان آغاز شده و ادوار متعدد را همراه با نمونه‌های تصویری با کیفیت شایسته نشان می‌دهد و مقال را به عهد صفوی می‌رساند. نکته‌ی مهم‌تر آن که تجویدی زوایای حکمی و معناگرایانه‌ی نقاشی ایران را می‌کاود و تحلیل می‌کند که تا آن روز مورد توجه دیگر پژوهشگران - از جمله اروپاییان - قرار نگرفته بود. تجویدی صلاحیت این کار را دارد، از آن رو که در خاندانی مذهبی که سابقه‌ی فرهنگی و دینی‌شان به عهد صفوی می‌رسد، بالیده است و نام خانوادگی ایشان یعنی «تجویدی» گواهی بر این مدعا است.

علاوه بر این او فرزند هادی خان تجویدی است که بی‌تردید وی را به عنوان بنیان‌گذار مکتب نگارگری تهران می‌شناسیم. هم او که برگزیده‌ی مدرسه‌ی صنایع قدیمه بود، هرچند با نقاشی مکتب کمال‌الملک آشنا بوده، اما نگارگری را برگزیده که شغل آباء و اجدادش بود. به همین دلیل اکبر تجویدی خود به لحاظ تجربی بر ظرایف فنی نگارگری ایرانی وقوف لازم را داشت. همین عشق و شور بود که باعث می‌شد یکی از فعالیت‌های جنبی او تصویرگری به شیوه‌ی نوآورانه، اما متأثر از گذشته‌های درخشان برای کتاب‌های کلاسیک ادبی ایران، همچون باباطاهر و حافظ و خیام باشد. بی‌تردید در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، هنرشناس و هنرمند دیگری شرایط و توانمندی‌های تجویدی را در یکجا جمع نداشت تا بتواند کتابی چنین پدید آورد.

وی پس از انقلاب نیز مصدر خدمات فرهنگی بسیار بود. از جمله به دعوت دانشگاه هنر تهران سال‌هایی برای تدریس در مقطع کارشناسی ارشد هنر که به تازگی در ایران راه‌اندازی شده بود به ایران می‌آمد و افتخار نگارنده‌ی این سطور نیز شاگردی حضرتشان در مقطع مزبور طی سال‌های ۷۳-۱۳۷۲ش است.